

بررسی تلاقی قانون محیط زیست و حقوق بشر: به سوی یک آینده پایدار

علیرضا پناهی

دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، دانشکده حقوق و علوم انسانی، کرج، ایران

چکیده

در دنیای امروز که مواجهه با مسائل محیط‌زیستی و تهدیدات جدی برای سلامتی و بقای انسان‌ها به منظور یک آینده پایدار است، درک تلاقی قانون محیط‌زیست و حقوق بشر بسیار ضروری می‌باشد زیرا فظ و حمایت از محیط زیست، از طرفی به رعایت حقوق بشر کمک می‌کند و از طرف دیگر، رویکرد قراردادهای بین‌المللی برای حفاظت از محیط زیست تغییر کرده و آن را به عنوان یک اصل مستخدم در توسعه تبدیل کرده است. در این مقاله به موضوع تلاقی قانون محیط زیست و حقوق بشر: به سوی یک آینده پایدار پرداخته شده است در نتیجه از نظر هدف کاربردی و مسأله محور است و بررسی می‌کند که چطور قانون محیط زیست و حقوق بشر رابطه‌ی نزدیکی با یکدیگر دارند و چقدر این دو حوزه در آینده پایدار تاثیرگذار خواهند بود، این مقاله با توجه به اینکه شیوع تغییرات اقلیمی و تهدیدات محیط زیستی جهانی به حقوق بشر و رفاه جامعه تاثیر می‌گذارند، به بررسی مسائلی مانند حقوق انسانی، حق محیط زیست و تعهدات بین‌المللی در قانون محیط زیستی می‌پردازد. نتایج نشان داد با توجه به اینکه تأثیرات تخریب محیط زیست همه جای جهان را فرا گرفته است و اثرات آن بر کیفیت زندگی و سلامت انسان‌ها قابل انکار است، تلاش برای ادغام محیط زیست و حقوق بشر و ترویج سیاست‌های پایدار بسیار اهمیت دارد، فراهم کردن شایط مناسب برای زیست و بقای انسان‌ها و دیگر موجودات زمین، تنها با ترکیب این دو عامل ممکن است؛ بنابراین به منظور دستیابی به یک آینده پایدار، باید تلاش کرد تا قانون محیط زیستی را به عنوان شاخصی از حقوق بشر در نظر گرفته شود.

واژه‌های کلیدی: آینده پایدار، حقوق بشر، محیط زیست.

مقدمه

در دوران‌های اخیر، موضوع تعادل بین حقوق بشر و حفظ محیط زیست به یکی از مهمترین مسائل جامعه‌شناسی و حقوق بین‌الملل تبدیل شده است. از یک طرف، حقوق بشر به عنوان یک سرمایه اجتماعی و اقتصادی برای انسان‌ها، فرصت برابر دسترسی به منابع طبیعی و محیط‌زیست سالم را ضروری می‌کند، از سوی دیگر، حفظ محیط‌زیست و تداوم آن برای نسل‌های آینده نیز دستاوردهای اساسی از جمله هوا، آب، خاک و تنوع زیستی را محل تمایل و انکار ندارد (آربین و همکاران، ۲۰۱۸). در حال حاضر، بحران‌های زیست‌محیطی از جمله افت کیفیت هوا، کاهش تنوع زیستی و تغییرات اقلیمی نشانگر نیاز فوری به یک تعادل میان حقوق بشر و حفظ محیط زیست است، اگر چه قوانین محیط زیست و حقوق بشر به طور جداگانه به دید مسائل اجتماعی و حقوقی نگاه می‌کنند، اما در برخی موارد با یکدیگر تلاقی و تعاملی دارند، بنابراین، تحقق یک آینده پایدار و منطقی به تنهایی امکان‌پذیر نیست و نیازمند یک توازن بین این دو بعد است (رامش، ۲۰۱۸) با توجه به این واقعیت‌ها، لزوماً نیازمند یک مرور گسترده و چالش‌ها و تبیین اهدافی می‌باشد که بتوانند این دو حوزه را به صورت هماهنگ و کامل در نظر بگیرند (ایبسن، ۲۰۱۹). از این رو، نویسندگان و حقوقدانان در حوزه محیط زیست و حقوق بشر دعوت به مشارکت در توسعه الگوها و سیاست‌هایی هستند که بتوانند این دو مسئله را در یکباره دنبال کنند و از به کارگیری استراتژی‌ها و ابزارهای مشترک برای حفظ محیط‌زیست و تضمین حقوق بشر برخوردار شوند و تلاش کرده‌اند تا ضمن برقراری ارتباط مؤثر بین حقوق محیط زیست و حقوق بشر، اهمیت تلاقی این دو مهم را شفاف سازی کنند، برای مثال (مهدی زاده و همکاران، ۱۳۹۸) در مطالعه خود دریافتند موضوع حقوق بشر و محیط زیست همواره موضوع بحث و تاثیر این دو بر یک دیگر محل اختلاف یا توافق بین دولت‌ها در مجامع بین‌المللی بوده است. به نظر می‌رسد که از جمله موانع رسیدن به تفاهم عدم تمایل بسیاری از دولت‌ها به ایجاد رابطه مستقیم بین حقوق بشر و محیط زیست در اسناد بین‌المللی با هدف مصونیت از اتخاذ هرگونه تصمیمی در این زمینه می‌باشد که ممکن است برای آنها پیامدهایی منفی در بر داشته باشد. (اکبرپور، ۱۳۹۹) در پژوهش خود بر بر جایگاه و اهمیت انسان در برخورداری از محیط‌زیست و بر برخورداری همگانی از محیط‌زیست تاکید بسیار کرده و نشان دادند که بر اساس سیره امامان معصوم، دو دسته از روایات وجود دارد. دسته اول، احادیث و روایاتی است که به حق برخورداری از محیط‌زیست سالم به صورت صریح‌تر اشاره دارد. دسته دوم به صورت غیرمستقیم به این حق اشاره کرده است. علاوه بر این در قواعد فقهی مانند قاعده لاضرر، اتلاف، تسبیب و احترام اموال، به حمایت و حراست از این حق اشاره شده است و ضمان شخص متعدی بر محیط‌زیست را شناسایی کرده است. (رنجکش و همکاران، ۱۴۰۱). نیز دریافتند که پیش زمینه بهره‌مندی از سایر حقوق بشر برخورداری از محیط زیست پاک و سالم است. (زکوی، ۱۴۰۲). در پژوهش خود به این نتیجه رسید که حقوق بین‌الملل محیط زیست با تضمین‌های اساسی مندرج در میثاق حقوق مدنی و سیاسی همچون حق زندگی و حق بهداشت، ارتباط تنگاتنگی دارد. از سوی دیگر برخورداری از استانداردهای مناسب جهت سلامتی، بر همبستگی شدید بین حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی با حقوق محیط زیست، تاکید می‌ورزد. علاوه بر این، نقطه تلاقی بین حقوق بین‌الملل بشر و حقوق بین‌الملل محیط زیست، حق بر محیط زیست سالم می‌باشد. حقی که بلاشک امروزه همچون حق توسعه از مهم‌ترین مصادیق حقوق همبستگی به شمار می‌آید. (شمسعلی زاده، ۱۴۰۰) در مطالعات خود نشان داد که حمایت قانونی از حقوق بشر به گونه‌ای فزاینده، ابزاری در جهت رسیدن به حفاظت محیط زیست است. حقوقی مثل حق حیات، حق مشارکت سیاسی، آزادی فردی، برابری و جبران خسارات قانونی همگی ابزارهای قانونی است که به گونه‌ای حفاظت محیط زیست را تضمین می‌کنند. حقوق اقتصادی-اجتماعی شامل حق برخورداری از بهداشت شرایط مناسب زندگی و حق برخورداری از محیط کار مناسب می‌توانند در توسعه حق محیط زیست در سطح داخلی و بین‌المللی موثر باشند. همچنین در بخش پژوهشهای خارج از کشور نیز (سندیکو و همکاران، ۲۱۰۹) دریافتند که که حقوق بشر و توسعه پایدار باید در حکومت‌ها و سازمان‌های موجود محلی، منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی، به ویژه در زمینه حق به آب، معادل مناسبی دیده شود و برای پیشرفت و بهبود وضعیت محیط زیست و حفاظت از حقوق بشر، ترکیبی از اقدامات موثر و گذراندن قوانین و مقررات صورت بگیرد. (سراج الدین و همکاران، ۲۰۲۱) نیز در نتیجه مطالعات خود دریافتند که توجه به توسعه پایدار در سطح محلی و ادغام اهداف پایداری در عملکرد حقوق بشر می‌تواند بهبود

قابل توجهی در زندگی افراد و جوامع داشته باشد. آن‌ها بر این باورند که ارتباط تنگاتنگ بین پایداری محلی و حقوق بشر به عنوان دو زمینه اساسی برای توسعه پایدار محسوب می‌شوند و وجود این ارتباط برای موفقیت و پیشرفت هر دو بسیار مهم است. با این توجه، ادغام اهداف پایداری در عملکرد حقوق بشر از اهمیت بسیاری برخوردار است و می‌تواند به منظور بهبود شرایط زندگی مردم و تسریع در حمایت و ارتقای حقوق بشری و محیط زیستی موثر باشد. محققان (بارنز و همکاران، ۲۰۲۰) در عین حال دریافتند که حقوق بشر و توسعه پایدار به دو عامل اساسی برای توسعه انسانی و اجتماعی محسوب می‌شوند. آن‌ها به این نتیجه رسیدند که احترام به حقوق بشر و توسعه پایدار به طور مستقیم با یکدیگر ارتباط دارند و هر دو اصل اساسی برای موفقیت و پیشرفت جوامع و کشورها هستند. از مطالب فوق می‌توان دریافت که امروزه حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم به وسیله بسیاری از سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای جهان به رسمیت شناخته شده و در تعدادی از اسناد بین‌المللی و قوانین اساسی کشورها مورد شناسایی قرار گرفته است (ایبسن، ۲۰۱۹). در ایران نیز با تصویب قوانین اساسی و سایر قوانین عادی حق بر محیط زیست سالم به حقوق ملی کشورها وارد شد، به همین دلیل قانون اساسی در اصل پنجاهم به موضوع محیط زیست و حفاظت از آن به عنوان یک وظیفه عمومی می‌پردازد. طبق اصل ۵۰ قانون اساسی: در جمهوری اسلامی، حفاظت از محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آن که با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیرقابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است (اکبرپور، ۱۳۹۹). قوانین برنامه‌های توسعه در ایران، حاکی از اهمیت جایگاه و توسعه حقوق محیط زیست در روند تدوین و تصویب قوانین برنامه‌ای است. به نحوی که جایگاه محیط زیست از یک تبصره (تبصره ۱۳) در قانون برنامه اول توسعه، در برنامه چهارم به یکی از محورهای شش‌گانه به نام حفاظت محیط زیست، آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای تغییر یافته است و ۱۵ ماده از ۱۶۱ ماده قانون برنامه چهارم توسعه به محیط زیست اختصاص یافته و در کنار آن نیز در ۱۴ ماده دیگر ضرورت رعایت مسائل زیست محیطی مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفته و لحاظ شده است، همچنین در قانون برنامه پنجم توسعه ذیل فصل محیط زیست به موضوع آلودگی‌های محیط زیستی و آلودگی هوا پرداخته شده است، ماده ۳۹ قانون برنامه ششم توسعه نیز به موضوع کاهش آلودگی هوا اشاره داشته است (خدابنده و همکاران، ۱۳۸۸). در همین راستا، ماده یک الحاقی به ماده ۱۱۸ قانون برنامه هفتم توسعه در موضوع مقابله با آلودگی هوا مقرر کرده است: سازمان حفاظت محیط زیست مکلف است به منظور تثبیت کانون‌های تولید گرد و غبار، برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت پیشگیری، سازگاری و مقابله با پدیده گرد و غبار در کشور را در قالب برنامه جامع مقابله با پدیده گرد و غبار و برنامه عمل دستگاه‌های اجرایی مرتبط، تهیه نماید و به تصویب هیئت وزیران برساند و گزارش عملکرد این بند را هر ۶ ماه یکبار به کمیسیون کشاورزی، آب، محیط زیست و منابع طبیعی مجلس ارسال نماید (رمضانی، ۱۴۰۱).

در این مقاله به موضوع تلاقی قانون محیط زیست و حقوق بشر: به سوی یک آینده پایدار پرداخته شده است.

ادبیات تحقیق

مدل پیشنهادی تحقیق شامل ابعاد حقوق محیط زیست و حقوق بشر است که در یک تحلیل کیفی و بر اساس مرور اسناد و مقالات معتبر و از طریق فیش برداری، اطلاعات مربوط به آنها گردآوری شده و ادامه به آن اشاره می‌گردد.

حقوق محیط زیست^۱

حقوق محیط زیست، شاخه‌ای از حقوق عمومی و در واقع رشته‌ای مستقل در حوزه مطالعات حقوقی است که موضوع آن حمایت، بهبود و بهسازی محیط زیست است، به دلیل ماهیت و ویژگی‌های خاص این رشته تعریفی جامع و مانع مشکل است و حتی بسیاری از نویسندگان، از تعریف آن اجتناب نموده‌اند (پورهاشمی و همکاران، ۱۴۰۱). در تعریفی از حقوق محیط زیست آمده است، حقوق محیط زیست عبارت است از: حقوق حاکم بر پیشگیری و محدود نمودن اثرات فعالیت‌های انسانی بر عناصر

1 Environmental rights

مختلف محیط زیست، این شاخه از حقوق از اهمیت بالایی برخوردار است زیرا از حقوق اولیه و مسلم هر انسان حق زندگی است، اگر محیطی که انسان در آن زندگی می‌کند آسیب ببیند، حق زندگی، کیفیت و شرایط آن و شخصیت و کرامت او نیز دچار مخاطره می‌شود (پیترویکوفسکی، ۲۰۱۸). بنابراین، حق زندگی و حق کرامت مبنای حق بر داشتن محیط زیست سالم است حق برخورداری از محیط زیست سالم، یکی از جلوه‌های حیثیت و کرامت انسانی تلقی می‌شود که مکمل حقوق بشر برای نسل حاضر و شرط تحقق آن برای نسل‌های آینده است (حائری اصفهانی و همکاران، ۱۴۰۱). در نتیجه حقوق محیط زیست به عنوان یک حوزه مهم و جدید در علم حقوق از توجه ویژه‌ای برخوردار است. حقوق محیط زیست به عنوان یک بخش از حقوق عمومی و حقوق بین‌المللی از آن خود، در حوزه‌های مختلفی از حقوق معتبر استفاده می‌کند، این حقوق علاوه بر آنکه قواعد و مقررات خاص خود را دارد، بخشی از حقوق انسانی و حقوق بشر را نیز تشکیل می‌دهد (افتخارجهرمی، ۱۳۸۸). حقوق محیط زیست به عنوان یک حوزه مستقل حقوقی، حدود دهه ۱۹۷۰ میلادی به بعد به وجود آمد. قبل از این دهه، موارد مرتبط با محیط زیست در حقوق عمومی به عنوان قسمتی از حقوق ملکی، حقوق عمومی و حقوق جرائم مرتبط با محیط زیست به حساب می‌آمد. در دهه ۱۹۷۰، نگرش جدیدی در قبال محافظت از محیط زیست شروع به شکل‌گیری کرد و توجه بیشتری به اهمیت حمایت از آن به منظور حفظ منابع طبیعی و حیات وحش جهانی جلب شد، در این دهه، قوانین جدیدی برای حفاظت از محیط زیست در سطوح مختلف مانند ملی، ایالتی و بین‌المللی تصویب و اجر شدند. علاوه بر حقوق و قوانین جدید، تشکل‌های مدنی و حقوق بشری نیز در تلاش برای مبارزه با آلودگی‌های محیط زیست و حداقل ساختن تخریب محیط زیست بودند، از آن زمان تا امروز، توسعه حقوق محیط زیست به عنوان یک حوزه مستقل حقوقی ادامه یافته و قوانین و مقررات جدی برای حمایت از محیط زیست و حیات وحش به وجود آمده است، این حقوق شامل حق حیات برای همه موجودات زنده، حفاظت از فضای زیستی، پیشگیری از آلودگی، تخریب و اختلال زیستی و تعیین مسئولیت‌های محیطی برای شرکت‌ها، دولت‌ها و افراد است (حائری اصفهانی و همکاران، ۱۴۰۱). در مبنای نظری حقوق محیط زیست نیز، اصولی چون اصل پیش‌گیری، اصل تعیین مسئولیت، اصل تعیین عواقب، اصل تعیین خطا و اصل حفاظت، مورد بررسی قرار می‌گیرند. این اصول برای حفاظت از محیط زیست و تعیین مسئولیت‌ها در مورد آسیب‌های زیست‌محیطی بسیار اهمیت دارند (پورهاشمی و همکاران، ۱۴۰۱)؛ بنابراین حقوق محیط زیست از جمله شاخه‌های اصلی حقوق عمومی است که در نظامات مختلف و مبنای حقوق کشورهای گوناگون جایگاه خاصی را دارد و اهمیت این رشته از آن بعد است که توسعه پایدار به عنوان یک مفهوم بنیادین در دنیای امروز در گرو ارتباط گسترده با این رشته حقوقی است. این امر به اندازه‌ای از اهمیت رسیده است که در کنوانسیون‌های بین‌المللی نیز به عنوان یک فرآیند ضروری شناخته شده است. اخیراً در نظام ایران تحت قالب حقوق عامه به شناسایی حقوق محیط زیست پرداخته شده است و حتی برای نقض آن مجازات کیفری پیش‌بینی شده است (حائری اصفهانی و همکاران، ۱۴۰۱). حقوق بین‌الملل محیط زیست، گرچه بدواً به عنوان یکی از زیرشاخه‌های جدید حقوق بین‌الملل عمومی، مطرح گردید ولی تصور می‌شود محدود به حقوق بین‌الملل عمومی نگردیده و حقوق بین‌الملل خصوصی و کلیه حقوق بین‌الملل که مرتبط به مشکلات و مسائل زیست محیطی باشد را در بر گرفته و تعامل دقیق با سیاست‌ها و قوانین ملی نیز می‌تواند به عنوان یک نیروی محرک اصلی برای نوآوری در حقوق بین‌الملل محیط زیست محسوب گردد، گزارش کمیته جهانی محیط زیست و توسعه در سال ۱۹۸۷ در برانتلند تأکید نموده که حقوق و قوانین بین‌المللی با سرعت زیادی در حال توسعه و افزایش است و بر همین اساس پیشرفت نیز باید در راستای توسعه اکولوژیکی باشد و از زمان گزارش ارائه شده رژیم بین‌المللی محیط زیست رو به تکرر رفته و به عنوان مقدمه‌ای در زمینه حقوق بین‌الملل محیط زیست مورد استقبال قرار گرفته است (افتخارجهرمی، ۱۳۸۸). در این راستا تعریف محیط زیست در کنوانسیون ارزیابی اثرات زیست محیطی در چهارچوب فرامرزی در سال ۱۹۹۱ مفهومی از اجزا تشکیل‌دهنده محیط را ارائه نموده که سلامت و ایمنی انسان؛ فلور؛ جانوران؛ خاک؛ هوا؛ آب و هوا؛ چشم‌انداز و بناهای تاریخی و فرهنگی را در بر گرفته و سنگ بنای حقوق بین‌الملل محیط زیست مسئله حاکمیت بوده و موضوعات به حاکمیت مرتبط به تقسیم شمال و جنوب و چندین تمایز دوگانه مانند دنیای توسعه یافته در مقابل توسعه نیافته و یا کسانی که محیط زیست را منشا نخست و یا مبنای توسعه اقتصادی مد نظر قرار داده‌اند در سراسر حقوق بین‌الملل محیط

زیست به چشم آمده و از مهمترین آن‌ها تضاد بین توسعه اقتصادی و محیط زیست است که موضوع حاکمیت و حکومت یک مسئله مهم برای کشورهای در حال توسعه تلقی شده که مبنایی برای استقلال اقتصادی می باشد (رمضانی، ۱۴۰۱).

حقوق بشر^۲

حقوق بشر بر اساس اعلامیه جهانی حقوق بشر، جهان‌شمولی، غیر قابل سلب، تبعیض ناپذیر و برابری هستند. این حقوق برای تمامی افراد بدون تمایز نژاد، ملیت، جنسیت، مذهب، گرایش جنسی، رنگ و زبان تعلق دارد و هیچ‌کس را نمی‌توان از این حقوق محروم کرد. این حقوق شامل حقوق طبیعی و قوانین بین‌المللی می‌شود. در حقیقت، حقوق بشر بنیانی برای آزادی، عدالت و صلح در جهان است و تمام انسان‌ها از لحاظ منزلت و حقوق با هم برابر هستند (مکدونالد، ۲۰۲۱). حقوق بشر به حقوق مورد انسان‌ها به عنوان اعضای انسانیت، از نظر تاریخی، فرهنگی، اجتماعی و قانونی مربوط می‌شود. این حقوق شامل حقوق اساسی و اساسی است که برای همه انسان‌ها به طور اساسی کامل و بدون تبعیض الزامی است. حقوق بشر شامل حقوقی مانند حقوق زندگی، آزادی، حقوق سیاسی، حقوق اقتصادی، حقوق اجتماعی و فرهنگی می‌باشد (عباسی، ۱۳۹۳). مفهوم حقوق بشر نه تنها بر اساس اعتقادات دینی و فرهنگی، بلکه بر اساس استانداردهای دستوری و حقوقی بین‌المللی نیز تعریف می‌شود. سندی که به شکل اجمالی این حقوق را تضمین می‌کند، "پیمان حقوق مدنی و سیاسی" و "پیمان حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" سازمان ملل متحد می‌باشد (زکوی، ۱۴۰۲). مفهوم حقوق بشر مبتنی بر ایده این است که تمام انسان‌ها باید به حداقلی از آزادی و کرامت دسترسی داشته باشند؛ بنابراین، این حقوق نه تنها برای دولت‌ها به عنوان نظارتی بر سیر تحقق حقوق انسانی در کشورهای خود، بلکه برای جوامع بین‌المللی نیز نظارت می‌کند تا پایبندی به حقوق بشری زندانیان سیاسی و رهایی آنها از زندان‌ها را تضمین می‌کند (عباسی، ۱۳۹۳). منشور حقوق بشر کوروش بزرگ که به عنوان «اولین منشور حقوق بشر» در جهان شناخته می‌شود، در پایه‌های شهر بابل قرار داده شده بود و اکنون در موزه بریتانیا نگاه‌داری می‌شود، با تشکیل سازمان ملل متحد، آن سازمان نقش مهمی در زمینه حقوق بشر بین‌الملل ایفاء کرده است. سازمان ملل با توسعه نهادهای حقوقی و زیرمجموعه‌ها، گفتمان‌های بین‌المللی بشردوستانه را توسعه داده است (رنجکش و همکاران، ۱۴۰۱). فلسفه حقوق بشر، به بررسی مبانی اساسی مفهوم حقوق بشر می‌پردازد و محتوای آن را به نقد می‌کشد. رویکردهای نظری متعددی وجود دارد که قصد آن توضیح چرایی و چگونگی تبدیل حقوق بشر، به بخشی از انتظارات جامعه است. یکی از قدیمی‌ترین فلسفه‌های غرب در مورد حقوق بشر، حاصل اندیشه حقوق طبیعی است که از دلایل مختلف فلسفی یا دینی نشأت گرفته است. دیگر نظریه در این زمینه، بر این اساس است، که حقوق بشر، رفتار اخلاقی را تعیین می‌کند و اخلاق اجتماعی انسان با فرایند تکامل بیولوژیکی و اجتماعی توسعه پیدا می‌کند (نظریه دیوید هیوم) (شمسعلی زاده، ۱۴۰۰). حقوق بشر به عنوان یک جامعه شناختی از تنظیم قوانین است. همان‌طور که در تئوری جامعه شناختی قانون و کار از ماکس وبر، توضیح داده شده است. سایر تئوری‌ها در این زمینه عبارتند از افراد جامعه اقتدار و مشروعیت قوانین را قبول می‌کنند، در ازای امنیت و مزیت‌های اقتصادی که به دست می‌آورند (مانند نظریه راولز) (رنجکش و همکاران، ۱۴۰۱). دو نظریه معاصر دیگر وجود دارند که نظریه منافع و نظریه تلاش نامیده می‌شوند. نظریه منافع، استدلال می‌کند که کارکرد اصلی حقوق بشر، محافظت و ترویج منافع انسان است، در حالی که نظریه تلاش بر اساس ظرفیت انسان برای آزادی به حقوق بشر اعتبار می‌بخشد (شمسعلی زاده، ۱۴۰۰)؛ بنابراین حقوق بشر به مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌هایی اشاره دارد که تمام افراد به طور طبیعی، از تولدشان به عنوان بشریت برخوردارند و باید به آن‌ها احترام گذاشته شود. این حقوق از جمله حق به زندگی، حق به آزادی و امنیت شخصی، حق به برابری و عدالت، حق به خصوصیت و دسترسی به عدالت، حق به آموزش و بهره‌وری و بسیاری از حقوق دیگر است که در سندوی اعلامیه جهانی حقوق بشر و دیگر استنادات بین‌الملل و قوانین و مقررات ملی اساس آن‌ها قرار دارد. اصلی‌ترین ویژگی حقوق بشر این است که برای تمام افراد برابر با وضع قرار دارند و هیچ گونه تبعیض، تبعیض یا سوءاستفاده‌ای نمی‌تواند از این

2 Human rights

حقوق در برابر افراد برداشته شود (بارنز و همکاران، ۲۰۲۰). در نتیجه ماهیت حقوقی حقوق بشر به مجموعه‌ای از حقوق و آزادی‌های بنیادین اشاره دارد که به هر انسان به دلیل انسانیت و برابری حقوق متعلق می‌شود. این حقوق در سطح بین‌المللی توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد در اعلامیه جهانی حقوق بشر و توسط قوانین و موافقت‌نامه‌های بین‌المللی تضمین شده‌اند. این حقوق شامل حقوق سیاسی مانند حق به زندگی، آزادی، حق به عدالت، و حق به حریم خصوصی، و همچنین حقوق اجتماعی و فرهنگی مانند حق به تحصیل، بهداشت، کار و دسترسی به فرهنگ و علم است (خدابنده و همکاران، ۱۳۸۸).

اهمیت ادغام قانون محیط زیست و حقوق بشر

با توجه به تغییرات جمعیتی، صنعتی و تکنولوژیکی، بشر نسبت بر محیط زیست به شدت تأثیر می‌گذارد، به طور عمده، تلاش دولت‌ها برای حفاظت از محیط زیست و انجام تحقیقات و توسعه فن‌آوری‌های پایدار به منظور حفظ سلامت انسان و جلوگیری از آلودگی، دگرگونی آب‌ها و خطرات ارتباطی با بین‌المللی‌های محیطی است، محیط زیست در بسیاری از نظریات حقوقی بشر دارای قلبی وجدانی انسانی است، که همچنین در سطح بین‌المللی به عنوان یکی از حقوق بشر شناخته شده است. مفاد این حق شامل حمایت از محیط زیست و تلاش برای جلوگیری از تخریب آن است (آربین و همکاران، ۲۰۱۸). از آنجا که حفظ و مدیریت محیط زیست ممکن است تأثیر بزرگی بر بشر داشته باشد، ادغام قانون محیط زیست و حقوق بشر از اهمیت بسیاری برخوردار است. این ادغام می‌تواند منجر به تصمیماتی شود که تجربه افراد را بهتر کرده و به روندهای پایدار محیط زیستی کمک کند. علاوه بر این، ادغام این دو زمینه می‌تواند به توسعه قوانین و مقرراتی از جمله محدودیت‌های زیستی، ارزیابی تأثیر محیط زیستی، اطلاع رسانی به عموم، وضعیت اقتصادی و حقوقی حمایتی برای استفاده مسئولانه و مدیریت کردن منابع محیطی منجر به کاهش تدریجی آسیب‌های محیط زیستی می‌شود (مشهدی، ۱۳۹۱). در این راستا، ادغام قانون محیط زیست و حقوق بشر نقش بسیار مهمی در حفاظت از منابع محیطی و توسعه پایدار آنها بازی می‌کند. در این راه، تلاش و همفکری است بهترین روش برای ادامه تلاش در راستای جلوگیری از تخریب منابع زیستی و تحقق توسعه پایدار است.

در نتیجه ادغام قانون محیط زیست و حقوق بشر اهمیت بسیاری دارد زیرا این دو حوزه به طور مستقیم تأثیرگذار بر زندگی انسان‌ها و محیط زیست است. ادغام این دو حوزه به ما این امکان را می‌دهد که در نظر گرفتن حقوق انسانی در محیط زیست برای حفظ زیستگاه‌های طبیعی و حفظ بیوتاپ‌ها اهمیت بیشتری داشته باشد، به عنوان مثال، حقوق بشر شامل حقوق اساسی همچون حق زندگی، حق بهداشت و حق آب تمیز است. اگر محیط زیست تخریب شود، این حقوق بشر نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرند و به شدت آسیب می‌بینند. به عنوان مثال، آلودگی هوا و آب می‌تواند به بیماری‌های جدی و تهدید جانی منجر شود که باز تأثیر منفی بر حقوق بشر دارد (حسین و همکاران، ۲۰۲۱)؛ بنابراین، ادغام قانون محیط زیست و حقوق بشر به ما کمک می‌کند تا بهبود محیط زیست را از زاویه‌ی حقوق انسانی به حفظ منابع طبیعی و بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها در نظر بگیریم. این ادغام می‌تواند بهبود پایداری محیط زیست و حفظ حقوق انسانی را تضمین کند به ما کمک کند تا به یک زندگی بهتر، سالم‌تر و پایدار دست یافته و زندگی کنیم (سراج الدین و همکاران، ۲۰۲۱).

از سوی دیگر هر دو موضوع ارتباط عمیقی با بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها دارند و بر پایه اصول اساسی مشترکی قرار دارند:

اولاً، حفاظت از محیط زیست نه تنها برای حفظ طبیعت و گونه‌های حیاتی اهمیت دارد، بلکه برای حفظ حقوق انسانی نیز ضروری است. آلودگی هوا، آب، و خاک و کاهش تنوع زیستی به طور مستقیم بر رفاه انسان‌ها تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به تخریب محل زندگی و بهداشت انسان‌ها منجر شود.

دوماً، اقدامات برای حفاظت از محیط زیست و کنترل تأثیرات منفی آن بر انسان‌ها، به طور غیرمستقیم به تقویت حقوق انسانی می‌انجامد. این اقدامات شامل حق به آب تمیز، هوای سالم، غذای ایمن، و محیط زیستی مناسب برای زندگی است که اساساً جزئی از حقوق انسانی هستند.

سوماً، ارتباط عمیق محیط زیست با سلامت انسان‌ها و تأثیرات تغییرات آب و هوا بر امنیت غذایی، مهاجرت، و حتی پایداری اجتماعی و سیاسی نیازمند یک دیدگاه یکپارچه‌تر به عنوان جزء اصلی حقوق بشر است (عباسی، ۱۳۹۳). بنابراین، ادغام قانون محیط زیست و حقوق بشر می‌تواند باعث تقویت یکدیگر شود و بهبود شرایط زندگی انسان‌ها و حفظ محیط زیست را تضمین کند که این امر برای بقا و رشد پایدار جامعه‌ها ضروری است (آربین و همکاران، ۲۰۱۸).

اثرات تلاقی قانون محیط زیست و حقوق بشر بر جامعه

تلاقی قوانین محیط‌زیست و حقوق بشر می‌تواند تأثیرات مهمی بر جوامع داشته باشد و در راستای حفظ محیط‌زیست و بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها اقدامات موثری انجام دهد، یکی از تأثیرات اصلی تلاقی قوانین محیط‌زیست و حقوق بشر، حفاظت از حقوق انسانی در محیط زیست است. انسان‌ها باید از حقوقشان برای دسترسی به آب تمیز، هوا پاک و محیط زیست سالم برخوردار باشند. قوانین حقوق بشر می‌توانند به حفظ این حقوق انسانی در زمینه محط‌زیست کمک کنند، به عنوان مثال، حقوق به آب تمیز به عنوان یکی از حقوق انسانی اساسی تأکید شده است و قوانین محیط‌زیست می‌توانند برای حفظ این حقوق تلاش کنند (شمسعلی زاده، ۱۴۰۰). همچنین، تلاقی قوانین محیط زیست و حقوق بشر می‌تواند به وضعیت افراد زیست‌بومی کمک کند. افراد زیست بومی اغلب به دلیل تخریب محیط بومی و اخلاص در زمینه‌های طبیعی، با مشکلاتی مواجه هستند. برای حل این مشکلات، می‌توان از تلاقی قوانین محیط‌زیست و حقوق بشر استفاده کرد. با ایجاد قوانین و مقررات مناسب، می‌توان به افراد زیست‌بومی کمک کرد تا از منابع طبیعی محظت کرده و بهبود شرایط زندگی خود را تضمین کنند (حسین و همکاران، ۲۰۲۱). در این راستا، برنامه نیوکاسل برای حقوق بشر و محیط‌زیست از جمله نمونه‌های موفق اقدامات در این زمینه است، این برنامه بر اساس اصول حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست تدوین شده است و به حفظ حقوق زندگی شالوده شده است و می‌تواند به بهبود شرایط زیست‌بومی و اقتصادی مناطق مختلف کمک کند و در کاهش فقر و نابرابری‌های اتماعی تأثیرگذار باشد (بارنز و همکاران، ۲۰۲۰). به طور کلی، تلاقی قوانین محیط‌زیست و حقوق بشر می‌تواند به بهبود شرایط زندگی جوامع و حفظ منابع طبیعی کمک کند. این تأثیرات می‌تواند درستیایی به توسعه پایدار و حفظ بهبودی انسان‌ها و محیط زیست تأثیرگذار باشد. از این رو، لازم است که توجه ویژه‌تری به این تلاقی‌ها و اقدات موثر در این زمینه صورت گیرد (رنجکش و همکاران، ۱۴۰۱).

از جمله ارتباطات این دو حق می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

بنابراین تلاقی قانون محیط زیست و حقوق بشر می‌تواند اثرات مثبت زیادی بر جامعه داشته باشد:

۱. **حفظ محیط زیست به عنوان حق انسانی**: این تلاقی می‌تواند باعث تقویت و تأمین حقوق اساسی مانند حق به آب تمیز، هوای سالم و محیط زیستی مناسب برای زندگی شود که جزء حقوق انسانی محسوب می‌شوند.
 ۲. **تقویت حقوق مدنی و سیاسی**: حفظ محیط زیست به معنای حفظ حقوق زندگی و حقوق بشر افراد است. این شامل حق به یک محیط زیستی سالم برای زندگی، کار و سلامتی است.
 ۳. **کاهش تبعات اقتصادی و اجتماعی**: حفاظت از محیط زیست می‌تواند از آسیب‌های اجتماعی ناشی از تخریب محیط زیست، مانند بیکاری، مهاجرت اجباری و بحران‌های غذایی، جلوگیری کند.
 ۴. **تقویت مشارکت مدنی و دموکراسی**: حقوق محیط زیست باعث تقویت مشارکت مدنی در حفاظت از محیط زیست می‌شود، که این امر به دموکراسی و ارتقای حکومت قانونی کمک می‌کند.
 ۵. **توسعه پایدار**: تلاقی این دو حوزه می‌تواند به توسعه پایدار کمک کند که شامل توسعه اقتصادی، اجتماعی و محیطی به طور همزمان باشد (شمسعلی زاده، ۱۴۰۰).
- به طور کلی، تلاقی قوانین محیط زیست و حقوق بشر می‌تواند بهبود شرایط زندگی انسان‌ها، حفظ محیط زیست و تقویت اصول حقوق بشر در سطح جهانی کمک کند و به پایداری جامعه‌ها کمک زیادی برساند. بر اساس آنچه که ذکر شد ارتباط بین حقوق بشر و محیط زیست و تلاقی ایندو از دو منظر قابل بررسی است:

۱. اسناد بین‌المللی:

ارتباط بین حقوق بشر و محیط زیست از منظر اسناد بین‌المللی، به این معنا است که حقوق بشر و محیط‌زیست به‌طور مستقیم و غیرمستقیم با یکدیگر ارتباط دارند. اسناد بین‌المللی مختلفی وجود دارند که بر این ارتباط تأکید دارند. به عنوان مثال، اعلامیه‌ی سازمان ملل متحد در خصوص حقوق بشر و محیط‌زیست که در سال ۲۰۱۲ تصویب شد، به اهمیت حفاظت از محیط‌زیست و حقوق بشر در ارتباط با یکدیگر اشاره دارد، این اسناد بین‌المللی به تأکید بر حقوق انسانی، از جمله حق بهداشت و سلامت، حق به دست آوردن اطلاعات و حق به محیط‌زیست سالم برای زندگی، می‌پردازند. آنها همچنین نقش حمایت‌کننده از حفاظت از محیط‌زیست و تعهد به اقداماتی که موجب حفظ محیط‌زیست و منابع طبیعی می‌شود را بر جهانیان تأکید می‌کنند.

به طور کلی، اسناد بین‌المللی موجود نشان می‌دهد که حفاظت از محیط‌زیست و تضمین حقوق بشر به طور مستقیم مرتبط با یکدیگر هستند و برای دستیابی به یک جوامع پایدار و عدالتمند، لازم است که هر دو این مسائل مورد توجه قرار گیرند (۹، ۱۱).

۲. آرای مراجع قضایی:

تعداد زیادی مراجع قضایی در سراسر جهان ادعای این را مطرح کرده‌اند که محیط زیست و حقوق بشر دارای ارتباط نزدیکی هستند. آنها به این موضوع اشاره کرده‌اند که حفاظت از محیط زیست یکی از حقوق اساسی انسان‌ها است و عدم رعایت آن منجر به نقض حقوق بشر می‌شود. از سوی دیگر، تخریب محیط زیست، به ویژه در مناطقی که از نظر اجتماعی و اقتصادی ضعیف هستند، منجر به نقض حقوق بشر می‌شود. این ادعا با استناد به اصل ۱۳ کنوانسیون حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، که تأیید می‌کند که هر فرد حق مساوی به استفاده از منابع طبیعی و محیط زیست سالم دارد، مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین، مراجع قضایی در بسیاری از کشورها تصمیم‌هایی گرفته‌اند که حقوق بشر و حقوق محیط زیست را به عنوان یک مفهوم یکپارچه در نظر گرفته و این دو را متصل به یکدیگر در نظر می‌گیرند. به عنوان مثال، در مورد حمل‌ونقل بین‌المللی مواد خطرناک، دادگاه بین‌المللی دادگاه بین‌المللی داده‌های کشورهای مختلف را باید در ردیف قرار دهد تا اینکه میزان آلودگی منطقه مقصد تحمل‌ناپذیر شود. در برخی مواقع، ادعا شده است که محیط زیست را به عنوان یک موضوع حقوق بشر باید مورد توجه قرار داد تا اینکه حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی همگانی آدمیان را تأمین کند. این ادعا به نحو یا دیگری موجب شده‌است که حمایت از حقوق بشر و محیط زیست به گونه‌ای ترکیبی و دوسویه در نظر گرفته شود (سندیکو و همکاران، ۲۰۱۹، بارنز و همکاران، ۲۰۲۰).

حمایت از حقوق بشر از طریق حفاظت از محیط زیست

حمایت از حقوق بشر از طریق حفاظت از محیط زیست امری بسیار حائز اهمیت و اساسی است؛ زیرا محیط زیست و حقوق بشر به صورت مستقیم و غیرقابل جدا شدن از یکدیگر مرتبط هستند. حقوق بشر شامل حقوق اساسی و اساسی هر انسان برای زندگی با احترام و ارزش و حفظ دیگران است. این حقوق شامل حقوق مرتبط با زندگی، آزادی، حفظ بازرسی و دسترسی به عدالت و ... است، به طور مشابه، حفظ محیط زیست به معنای حفظ اجزای محیط طبیعی است که انسان و سایر موجودات زندگی می‌کنند. آلودگی هوا، آب و خاک، کاهش تنوع زیستی، انقراض گونه‌ها، تغییرات اقلیمی و ... از مشکلات محیط زیستی مهمی هستند که بر حیات انسان و دیگر موجودات زمین تأثیر می‌گذارند (پورهاشمی و همکاران، ۱۴۰۱). با توجه به اینکه انسان به عنوان قسمتی از محیط زیست زندگی می‌کند و به طور مستقیم از منابع طبیعی و محیط زیست بهره می‌برد، حفظ محیط زیست متصل به حقوق بشر مطلوب است. اقداماتی که برای حفاظت از محیط زیست انجام می‌شود، بهبود کیفیت زندگی انسان و تأثیر مثبتی بر حقوق بشر دارد. به عنوان مثال، تمیز نگه داشتن هوا و آب اهمیت زیادی برای حفظ سلامت انسان دارد. همچنین حفظ تنوع زیستی و زیستگاه‌های طبیعی موجب حفاظت از حقوق حیوانات و گیاهان می‌شود (حائری اصفهانی و همکاران، ۱۴۰۱)؛ بنابراین، حمایت از حقوق بشر از طریق حفظ محیط زیست از اهمیت فراوانی برخوردار است و باید

از طریق سیاست ها، قوانین و اقدامات قابل اندازه گیری و قابل پیگیری، این اهداف مهم را پیگیری کرد. اهداف توسعه پایدار نیز به همین منظور توسط انجمن ملل متحد تدوین شده‌اند تا به دنبال تعادل میان توسعه اقتصادی، حفاظت از محیط زیست و تضمین حقوق بشر باشند (بارنز و همکاران، ۲۰۲۰). به طور کلی، حفظ محیط زیست به عنوان یک مولفه اساسی از حقوق بشر، از طریق تأمین محیط زیست سالم و پایدار، حمایت از حقوق اساسی انسان‌ها را تقویت می‌کند و به توسعه پایدار و اجتماعی کمک می‌کند. چرا که حفاظت از محیط زیست به عنوان یکی از مهمترین راه‌های حفاظت از حقوق بشر به شمار می‌آید. زندگی بشریت و بهبود کیفیت زندگی بشر، به طور مستقیم با حفظ محیط زیست مرتبط است، چراکه حفظ محیط زیست برای برآورده کردن احتیاجات اساسی ما، مانند نیاز به آب، هوا تمیز و طعمه‌های غذایی اساسی، ضروری است (سندیکو و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین حفظ محیط زیست باعث کاهش تمامی گونه‌های بیماری‌ها و انواع آلودگی‌های بسیاری مانند هوا و آب و خاک می‌شود. با این حال، بیشتر از برقراری محیط زیست سالم در سطح جهانی، باز هم تلاش بیشتری باید برای حقوق بشر و بهبود زندگی انجام شود. چراکه توسعه‌های اقتصادی و صنعتی می‌تواند به راحتی منجر به آسیب‌های بشری و حقوق بشری باشد، اگر این توسعه‌ها دوست دارند به دور از توجه به محیط زیست و حقوق بشر ادامه دهند. لذا، حفظ محیط زیست به عنوان یکی از ابزارهای مؤثر در حفاظت از حقوق بشر متلاشی نشدن این حقوق به خوبی واقع می‌شود (اکبرپور، ۱۳۹۹).

توجه به نیازهای محیط زیست به عنوان یک حق بشر

محیط‌زیست، به‌طور گسترده در بررسی مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی و کمیابی منابع انسانی مورد توجه قرار گرفته است. با افزایش جمعیت و پیشرفت فناوری، از یک سمت حمایت از محیط‌زیست به‌عنوان پایه ای سالم برای سلامت و رفاه جامعه گرفته شده است و از سوی دیگر، از طرف صنعت‌ها و افراد برای استفاده بهینه از منابع موجود و کاهش هزینه‌ها به چشم باز بیشتر در نظر گرفته می‌شود. در این راستا، بررسی و توجه به نیازهای محیط‌زیست به‌عنوان یک حق بشر فراتر از مسائل حفظ بیولوژیکی، اقتصادی یا توسعه‌ای است (ایسن، ۲۰۱۹). دیدگاه‌های مختلف در مورد تعریف و جایگاه حقوق محیط‌زیست در کشورها و حقوق بین‌المللی پیشنهاد شده است، اما اصولی که باید در نظر گرفته شوند علاوه بر تضمین اقتصادی استثنائی و حقوق شخصی، باید به حفاظت از محیط‌زیست و بهبود کیفیت زندگی، مورد توجه قرار گیرند. در حقوق بین‌المللی، حق محیط‌زیست در عنوان یک حق بشر به‌طور واضح ذکر شده است و عده‌ای معتقدند که حقوق محیط‌زیست، حقوق تکمیلی دیگری در کنار حقوق شخصی هستند که نباید در مقابل آن قرار گیرند، بلکه باید هم به همراه حقوق شخصی توسعه یابند و مسئولیت دولت‌ها و نهادهای دیگر برای پایبندی به تعهدات بین‌المللی افزایش یابند. به این ترتیب، به‌عنوان یک حق اساسی، توسعه پایدار و محافظت از محیط‌زیست برای نسل‌های حاضر و آینده ضروری است (زکوی، ۱۴۰۲). از اینرو توجه به نیازهای محیط زیست به عنوان یک حق بشر به ما یادآوری می‌کند که دسترسی به محیط زیست سالم و پایدار یکی از حقوق اساسی هر فرد و جامعه است. این حق، به معنای داشتن حق دسترسی به آب تمیز، هوای تمیز، خاک حاصل‌بخش، منابع طبیعی قابل استفاده و دیگر عناصر محیط زیست از جمله حیات وحش، مناطق آبخیز و جنگل‌ها است (مهدی زاده و همکاران، ۱۳۹۸). حق محیط زیست به‌عنوان یک حق بشر، به ما یادآوری می‌کند که ما به عنوان اعضای جامعه بین‌المللی باید تلاش کنیم تا محیط زیست ما را در امان نگه داریم تا امکان دسترسی به آن برای نسل‌های آینده نیز فراهم شود، دولت‌ها نیز مسئولیت دارند که ضمن حفظ محیط زیست برای نسل‌های آینده، اقدامات لازم برای محافظت از حقوق محیط زیست را انجام دهند و به افراد امکان دسترسی به منابع طبیعی را فراهم کنند (رمضانی، ۱۴۰۱).

پیش بینی آینده پایدار از طریق تلاقی قانون محیط زیست و حقوق بشر

پیش بینی آینده پایدار از طریق تلاقی قانون محیط‌زیست و حقوق بشر به این معنا است که در حالی که حمایت از محیط‌زیست و حفاظت از آن اصولی اساسی برای تضمین زندگی پایدار بر روی زمین محسوب می‌شود، حقوق بشر نیز از

اهمیت بالایی برخوردارند و باید با همان احترامی که به انسان‌ها صادر می‌شود، به محیط‌زیست نیز روی گردانده شود (عباسی، ۱۳۹۳). این تلاقی بین قوانین محیط‌زیست و حقوق بشر به این معنا است که باید اقداماتی انجام شود که هم انسان‌ها را محافظت کنند و حقوق آن‌ها را تضمین کنند و هم محیط‌زیست را حفظ و حفاظت کنند تا زمینی پایدار برای نسل‌های آینده فراهم شود؛ به عبارت دیگر، این تلاقی بیانگر ضرورت جمعیت‌های انسانی و محیط زیست به عنوان دو بخش جدایی‌ناپذیر و مترابط از یک سیستم بزرگتر است که باید با همکاری و هماهنگی ایجاد تعادل و هماهنگی برای حمایت و حفاظت از هر دو راه‌حل ارائه دهند (اکبرپور، ۱۳۹۹). این تلاقی می‌تواند از طریق اتخاذ سیاست‌ها و قوانین منطبق با این اصول عینی شود، همچنین با افزایش آگاهی و آموزش در خصوص اهمیت حفاظت از محیط‌زیست و حقوق بشر، به ترویج زندگی پایدار و منعطف برای همه افراد جامعه کمک کند (حسین و همکاران، ۲۰۲۱). تلاقی قانون محیط زیست و حقوق بشر، به عنوان یک رویکرد نوین در حوزه حفاظت از محیط زیست و تضمین حقوق انسانی، اهمیت بسیاری دارد. این تلاقی به عنوان یک روش جدید برای پایداری آینده محیط زیست و انسان‌ها، ارتباط مستقیمی بین حقوق بشر و حفاظت از محیط زیست را برجسته می‌کند. با توجه به اثرات نامطلوب تغییرات اقلیمی و وضعیت نابسامان محیط زیست جهانی، تلاش برای ایجاد تعادل بین محیط زیست و حقوق بشر، امری ضروری و به‌صرفه به‌نظر می‌رسد، بنابراین، ارتباط نزدیک بین این دو حوزه، نقش مهمی در پایداری آینده محیط زیست و حقوق انسان‌ها، دارد (حائری اصفهانی و همکاران، ۱۴۰۱). یش بینی آینده پایدار از طریق تلاقی قانون محیط زیست و حقوق بشر به این معنی است که قوانین و سیاست‌هایی که برای حفظ محیط زیست تدوین می‌شوند، باید به طور همسو با حقوق بشر و نیازهای انسانی باشند. این تلاقی به منظور ایجاد یک توازن بین حفظ منابع طبیعی و تأمین نیازهای معقول انسانی است، به‌طوری که علاوه بر حفظ بقای گونه‌ها و حفظ تنوع زیستی، حقوق افراد به آب تمیز، هوای پاک، غذای امن، محیط زیست سالم و دسترسی به منابع طبیعی تأمین شود (آربین و همکاران، ۲۰۱۸). این تلاقی به طور کلی به معنای گسترش مفهوم حقوق بشر به سمت حقوق محیط زیستی است و همچنین استفاده از قوانین محیط زیست به منظور حمایت از حقوق انسانی، مانند حق به زندگی سالم و دسترسی به منابع زیستی. به این ترتیب، این تلاقی به ساختارهای حقوقی و سیاست‌های محیط زیستی کمک می‌کند که همزمان با حفظ محیط زیست، حقوق اساسی انسانی نیز به درستی رعایت شود و افراد به یک زندگی پایدار و سالم دسترسی پیدا کنند (زکوی، ۱۴۰۲). در واقع قانون محیط زیست و حقوق بشر به دو طریق ارتباط دارند که می‌تواند تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر آینده پایدار داشته باشد. اولاً، حقوق بشر و حقوق محیط زیست به عنوان دو حوزه اصلی حقوق بشری است که به دنبال حفاظت و توسعه حقوق انسانی و حقوق محیط زیستی هستند، می‌توانند زمینه‌ای برای آینده پایدار باشند. با حفظ و توسعه حقوق بشر و حقوق محیط زیستی، می‌توان از منابع طبیعی و محیط زیست به بهترین نحو ممکن استفاده کرد و در عین حال، حقوق انسانی را نیز حفظ کرد (رامش، ۲۰۱۸). در مقابل، اگر قانون محیط زیست و حقوق بشر نقض شود، این می‌تواند منجر به نابودی و آسیب‌های جبران‌ناپذیری در زمینه‌های محیط زیست و حقوق انسانی شود که می‌تواند بر آینده پایدار تأثیر منفی داشته باشد؛ بنابراین، ارتباط قانون محیط زیست و حقوق بشر با آینده پایدار می‌تواند در حفظ زیست بوم و منابع طبیعی و همچنین حقوق و زندگی انسان‌ها تأثیرگذار باشد (پورهاشمی و همکاران، ۱۴۰۱).

یکی از رویکردهای اصلی برای تضمین حفظ محیط زیست و حقوق بشر مقررات جهانی است، برخی از مقررات جهانی که به این منظور تعریف شده‌اند عبارتند از:

اعلامیه سوزانیدن چرخان، برای جلوگیری از شیوع مواد شیمیایی خطرناک و بازگشت آن‌ها به محیط زیست.
کنوانسیون تلافی خسارت محیط زیستی، برای پاسخ به تلاش برای بازسازی محلولاتی که به محیط زیست آسیب می‌زنند (شمسعلی زاده، ۱۴۰۰). تلاقی حقوق بشر و محیط زیست نقطه تاخیری برای همه افراد از جمله دولت‌های جهانی، نهادها و سازمان‌ها است که در راستای آینده پایدار قرار می‌گیرد. به گفته‌ی سازمان حفاظت از محیط‌زیست آمریکا: "هر زمانی که محیط زیست تهدید می‌شود، حقوق انسانی، اقتصاد و امنیت نیز تهدید می‌شود؛ بنابراین، محافظت از محیط زیست، حفاظت از حقوق انسانی است." (بارنز و همکاران، ۲۰۲۰). بدون حفظ محیط زیست، حقوق بشر در معرض تهدید قرار می‌گیرد، نظیر حق

به نظم و امنیت شرایط مناسب برای زندگی، احساس مناسب و حفظ جانی؛ بنابراین، برای حفظ آینده پایدار، درک و تلاقی بین حقوق بشر و محیط زیست بسیار مهم است (رامش، ۲۰۱۸). تفاوت‌های چشمگیر در نحوه برخورد با مسائل محیط‌زیستی و حقوق بشر می‌تواند به نظر برسد که این دو حوزه در عرصه‌هایی متفاوت و گاهی ناهمسان به نظر می‌رسند. حقوق بشر به طور عمده بر پایه حفظ حقوق و آزادی‌های انسانی تمرکز دارد، در حالی که قوانین محیط زیست بیشتر بر توازن و حفظ منابع طبیعی و زیستگاه‌های اکولوژیکی تاکید دارند؛ اما این دو حوزه در واقعیت، با هم پیوند دارند و درک یکپارچه‌ای از آن‌ها می‌تواند به تدریج به تحقق یک آینده‌ای پایدار کمک کند (حسین و همکاران، ۲۰۲۱). تلاقی قانون محیط زیست و حقوق بشر به این معناست که باید به طور هماهنگ و توازن‌بخشی بین حفظ محیط زیست و تأمین حقوق اساسی انسانی پیش برویم، این تلاقی نشان می‌دهد که حفظ منابع طبیعی و محیط زیست، از جمله هوا و آب تمیز، خاک حاصلخیز و تنوع زیستی، به معنای حفظ حقوق مردم به سلامت، زندگی شایسته و دسترسی به منابع زندگی ضروری است (حائری اصفهانی و همکاران، ۱۴۰۱).

نقش حکومت و سازمان‌های مدنی در ادغام قانون محیط زیست و حقوق بشر

ادغام قوانین محیط زیست و حقوق بشر می‌تواند به عنوان دو اصل مهم و اساسی برای حفظ محیط زیست و تأمین حقوق انسانی مؤثر باشد، ادغام این دو دستور قانونی نه تنها از تلاقی منافع محیطی و انسانی برای موفقیت در حفظ محیط زیست بهره‌مند می‌گردد، بلکه به صورتی کامل‌تر می‌تواند حقوق انسانی را محدود می‌کند تبدیل به قانون محیط زیستی که انسانی‌تر است، به عنوان مثال، قوانین محیط زیست معمولاً حقوق انسانی را محترم نمی‌دانند و بنابراین به دلایل اقتصادی یا سیاسی آن‌ها را نادیده می‌گیرند. ادغام این دو می‌تواند باعث بهبود مداخله قانونی بر امور محیطی شود و منجر به تضمین حقوق انسانی برای همه افراد شود (ایبسن، ۲۰۱۹). همچنین، ادغام موفق این دو دستور قانونی می‌تواند باعث نتایج بدیلی در حکومت و اجتماع شود. برای مثال، اجرای قوانین محیط زیستی می‌تواند به خودروهای تمیزتر، ابتکارات انرژی تجدیدپذیر تر و تولید کالاهای با دستورهای زیستی هدایت کند. این موضوع می‌تواند فرصت‌های شغلی جدید ایجاد کند، معیشت محیط زیست را تقویت کند و سرانجام محیط معیشتی پایدارتری را برای افراد فراهم کند (پیتزیکوفسکی، ۲۰۱۸). در نتیجه، ادغام قوانین محیط زیست و حقوق بشر برای حکومت و سازمان‌های مدنی به عنوان یک راه برای حل مسائل محیط زیستی و تضمین حقوق انسانی بسیار مهم و اثرگذار است. این ادغام می‌تواند باعث بهبود کیفیت محیط زیست، تحقق عدالت اجتماعی و توازن بین انسان و طبیعت شود (زکوی، ۱۴۰۲). در دهه‌های اخیر، آگاهی عمومی نسبت به مسائل محیط‌زیستی و ابعاد آن بر حقوق بشر افزایش یافته است. به طور مثال، تغییرات اقلیمی، آلودگی هوا و آب، کاهش زیستگاه‌های طبیعی و انقراض گونه‌ها تهدیدهای جدی برای سلامت محیط‌زیست و انسان‌ها به‌ویژه آسیب‌پذیرترین افراد به شمار می‌آیند. این مسائل محیط‌زیستی به‌طور عام تأثیرات گسترده‌ای بر حقوق بشر از جمله حق حیات، حق بهداشت و سلامت، حق بهره‌برداری از منابع طبیعی، حقوق قومی و حقوق مدنی دارند (سراج الدین و همکاران، ۲۰۲۱). حکومت‌ها و سازمان‌های مدنی در ادغام قانون محیط‌زیست و حقوق بشر نقش مهمی دارند. حکومت‌ها مسئول اجرای قوانین و تدابیر محیط‌زیستی هستند و باید از حقوق بشر افراد و جوامع در زمینه محیط‌زیست حفاظت کنند. ایجاد قوانین و مقررات قوی و اثربخش برای حفاظت از محیط‌زیست و پیشگیری از تخلفات زیست‌محیطی نقش اساسی دارد (زکوی، ۱۴۰۲). از سوی دیگر، سازمان‌های مدنی نقش مهمی در اطلاع‌رسانی، آموزش و حمایت از حقوق محیط‌زیستی و حقوق بشر ایفا می‌کنند. این سازمان‌ها می‌توانند از مکانیسم‌های حقوقی و مدنی برای اعمال فشار بر حکومت‌ها و شرکت‌ها برای احترام به حقوق بشر و محیط‌زیست استفاده کنند، بنابراین، ادغام قوانین محیط‌زیست و حقوق بشر نیازمند همکاری و هماهنگی بین حکومت‌ها و سازمان‌های مدنی است تا بتوانند بهترین راهکارها و استراتژی‌ها را برای حفاظت از محیط‌زیست و تضمین حقوق بشر ارائه کنند، این تلاش‌ها می‌تواند به ایجاد یک جهان پایدارتر، پرارزتر و عادلانه‌تر منجر شود (بارنز و همکاران، ۲۰۲۰). حکومت و سازمان‌های مدنی دارای نقش بسیار مهم در ادغام قانون محیط‌زیست و حقوق بشر هستند. این دو حوزه از زندگی انسان و فعالیت‌های اجتماعی به شدت وابسته هستند و می‌توانند به یکدیگر کمک کنند، حکومت‌ها مسئولیت حفظ محیط‌زیست و تضمین حقوق بشر را در قوانین و مقررات خود به عنوان یکی از اصول اساسی

تعیین کرده و اجرا می‌کنند. آنها می‌توانند با ایجاد و اجرای قوانین محیط‌زیستی، پیشگیری از آسیب‌های احتمالی به حقوق انسانی و زندگی انسان‌ها را تضمین کنند (رامش، ۲۰۱۸). همچنین، سازمان‌های مدنی نقش بسیار مهمی در ادغام این دو حوزه دارند. آنها می‌توانند از طریق فعالیت‌های آموزشی، ترویجی و نیز نظارت بر اجرای قوانین محیط‌زیستی و حقوق بشری به ارتقای این دو حوزه کمک کنند. همچنین، آنها می‌توانند از طریق فعالیت‌های مطالبه حقوقی نقش مهمی در توجیه و حفظ حقوق محیط‌زیست و حقوق بشر ایفا کنند و برای اصلاح قوانین و سیاست‌ها در این زمینه‌ها فعالیت کنند (رنجکش و همکاران، ۱۴۰۱). ادغام قانون محیط زیست و حقوق بشر نه تنها وظیفه‌ی دولت‌ها و سازمان‌های مدنی است، بلکه یک ضرورت جهانی است که نیازمند همکاری و تعامل بین مختلف اشخاص و انجمن‌ها در سطح بین‌المللی است. حکومت‌ها به عنوان نهادهای اصلی مسئول برنامه‌ریزی، تدوین و اجرای قوانین و سیاست‌های محیط زیست، نقشی بسیار مهم دارند. آن‌ها باید تأمین کنند که قوانین محیط زیست با رعایت حقوق بشر هماهنگ شوند و تأثیرات آن‌ها بر جامعه و محیط زیست به‌طور مساوی مورد بررسی قرار گیرد (رمضانی، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، سازمان‌های مدنی و انجمن‌های محلی و بین‌المللی نقش فعالی در ادغام قانون محیط زیست و حقوق بشر دارند. آن‌ها با پیگیری برقراری عدالت اجتماعی و حقوق بشر، از جمله حق به زندگی سالم و دسترسی به منابع طبیعی، به عنوان دستگاه‌های مانیتورینگ و نظارتی می‌توانند بر کیفیت و اجرای قوانین محیط زیست نظارت کنند و با فعالیت‌های آموزشی و اجتماعی، آگاهی عمومی را درباره حقوق انسانی و حفظ محیط زیست افزایش دهند (سندیکو و همکاران، ۲۰۱۹). به طور کلی، همکاری مؤثر بین حکومت‌ها و سازمان‌های مدنی ضروری است تا ادغام قانون محیط زیست و حقوق بشر، به موفقیت‌های بیشتری در حفظ زیستگاه‌های طبیعی و تضمین حقوق انسانی برسد، در نتیجه، حکومت و سازمان‌های مدنی با همکاری و هماهنگی در ادغام قانون محیط‌زیست و حقوق بشر، می‌توانند به حفظ محیط‌زیست و حقوق بشر و همچنین پیشگیری از تخلفات و آسیب‌های محیط‌زیستی و حقوق بشری کمک کنند (خداپنده و همکاران، ۱۳۸۸).

استفاده از رویکردهای جدید برای حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر

در دنیای امروز، موضوع حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر بیش از پیش به یکی از مهم‌ترین موضوعات جامعه شناخته شده است. با وجود تغییرات اقلیمی، انقراض گونه‌ها و تخریب محیط‌های زیستی، لازم است به رویکردهای جدید و نوآورانه برای حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر پرداخته شود، چرا که استفاده از فناوری‌های پیشرفته، توسعه سیاست‌های حکومتی و تعامل با جوامع محلی و بین‌المللی، می‌تواند به ما کمک کند تا به رویکردهایی نوین در این زمینه دست یافت، در عین حال افزایش آگاهی عمومی، ارتقاء کیفیت زندگی انسان‌ها و احترام به حقوق بشر از دیگر ابعاد است که بیشتر به آن باید توجه کرد (آرین و همکاران، ۲۰۱۸). استفاده از رویکردهای جدید برای حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر به معنای ادغام و هماهنگی عمیق‌تر بین این دو حوزه است. این رویکردها بر اساس فهم بهتری از ارتباطات پیچیده بین محیط زیست و حقوق انسانی شکل می‌گیرند و تلاش می‌کنند تا اثرات منفی و پویای توسعه بر محیط زیست و حقوق انسانی را به حداقل برسانند (پورهاشمی و همکاران، ۱۴۰۱). بکارگیری رویکردهای جدید برای حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر شامل استفاده از رویکردهای مبتنی بر اصلاح رفتار، ایجاد قوانین و مقررات سختگیرانه تر، ترویج افکار و ارزش‌های انسان‌محور، توسعه فناوری‌های پایدار و محیط زیستی، ترویج همکاری‌های بین‌المللی و ایجاد آگاهی عمومی درباره اهمیت حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر می‌باشد، همچنین مشارکت فعال افراد و سازمان‌های مدنی، صنعتی و دولتی نیز از جمله رویکردها و راهکارهای مؤثر برای حفاظت از محیط زیست و حقوق بشر است (شمسعلی زاده، ۱۴۰۰).

برخی از این رویکردها عبارتند از:

حقوق محیط زیستی: تأکید بر اینکه محیط زیست به عنوان یک شریک حقیقی و با حقوق در سیستم حقوقی محسوب شود. این رویکرد تلاش می‌کند تا حقوق محیط زیست را به عنوان حقوق فردی و گروهی مورد شناسایی قرار دهد که باید مورد حفاظت قرار گیرند.

عدالت زیست‌محیطی: تأکید بر اینکه بارهای زیست‌محیطی و عواقب تغییرات اقلیمی به طور نامنصفانه بر گروه‌ها و افراد مختلف تأثیر می‌گذارد. این رویکرد به دنبال اصلاح سیاست‌ها و اجرای آن‌ها است تا به توزیع عادلانه‌تر و از لحاظ زیست‌محیطی پایدارتر منافع برسد.

تعهدات بین‌المللی: اجرای قراردادهای، مقررات و توافقات بین‌المللی محیط زیستی و حقوق بشر، به ویژه در زمینه‌هایی مانند تغییرات اقلیمی، حفظ بیابان‌زایی و حفظ تنوع زیستی. این رویکرد به همکاری بین کشورها و تقویت نظارت بین‌المللی تأکید دارد.

توسعه پایدار: این رویکرد تلاش می‌کند تا توسعه اقتصادی و اجتماعی را با حفظ محیط زیست و احترام به حقوق انسانی هماهنگ کند. به این ترتیب، به دستیابی به یک توسعه پایدار و اجتماعی واقعی تلاش می‌شود.

مشارکت مردمی: افزایش مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌های محیط زیستی و تأکید بر اینکه حقوق مردم در پذیرش یا ردیابی تغییرات محیط زیستی رعایت شود.

این رویکردها همگی به دنبال تقویت و حفظ همزیستی مانا و پایدار بین انسان‌ها و محیط زیست هستند، به نحوی که اثرات منفی کمتری بر روی هر دو ایجاد شود و حقوق انسانی، به‌طور کامل رعایت شود (حائری اصفهانی و همکاران، ۱۴۰۱).

نتیجه گیری

حقوق محیط زیست نمایه اصلی زندگی انسان‌ها می‌باشد و بدون آن حیاتی قابل تصور نیست، امروزه زمانی که صحبت از حقوق محیط زیست به میان می‌آید شاید در وهله اول بخشی از این حقوق، یعنی حق بر طبیعت متصور شود، ولی باطن آن مساله دیگری است و می‌توان گفت حقوق محیط زیست شامل تمامی عناصر مربوط به حیات می‌باشد و این مفهوم جدای از حیات انسانی است. این مفهوم رابطه تنگاتنگ با حیات و زندگی موجودات دارد و موجب می‌شود تا مطالبه‌گری در خصوص حفاظت از آن رنگ و بوی حقوقی به خود گیرد و مبنای توسعه باشد (پیترژیکوفسکی، ۲۰۱۸). حق بهره‌مندی انسان‌ها از محیط زیست سالم و پاک، به عنوان یکی از حقوق بنیادین و اساسی بشر، حقی غیرقابل انکار و چشم‌پوشی است. اثر برخورداری از محیط زیستی سالم و پایدار بر زندگی بشر به حدی است که نمی‌توان پیوستگی حقوق بشر و حقوق محیط زیست را نادیده گرفت. حیات بشر در بستر محیط زیست جریان دارد و نه تنها بشر حق زندگی در محیط زیستی سالم و عاری از آلودگی را دارد، بلکه تکلیف صیانت از این امانت را نیز بر عهده دارد (سراج الدین و همکاران، ۲۰۲۱). این حق انعکاس دهنده ارزش‌های والایی همچون حق حیات، حق سلامتی و حق زندگی استاندارد است و ارتباط تنگاتنگی با پیش شرط‌های تداوم حیات نسل کنونی و نسل‌های آینده دارد (رامش، ۲۰۱۸). از اینرو تلاش‌های فراوانی در سطح جهانی صورت گرفته تا از شدت و پیشرفت بحران آلودگی محیط زیست، کاسته شود، بسیاری از اسناد بین‌المللی الزام‌آور و غیر الزام‌آور مانند: اعلامیه استکهلم (۱۹۷۲)، اعلامیه ریو (۱۹۹۲)، اجلاس جهانی ژوهانسبورگ (۲۰۰۲) و قطعنامه سازمان ملل متحد در سال ۲۰۲۲، حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم و پایدار را مورد تأکید قرار داده‌اند (بارنز و همکاران، ۲۰۲۰). تأثیر تغییرات آب و هوایی، مدیریت نادرست و استفاده ناپایدار از منابع طبیعی، آلودگی هوا، زمین و آب، مدیریت نامناسب مواد شیمیایی و پسماندها و از بین رفتن تنوع زیستی و پیامدهای منفی ناشی از آن، به عنوان عوامل محیط زیستی به حدی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم بهره‌مندی و برخورداری مؤثر از حقوق بشر را مختل می‌کند (سندیکو و همکاران، ۲۰۱۹). از آنجا که آسیب‌های محیط زیستی تمام افراد و جوامع را در سراسر جهان تحت تأثیر قرار می‌دهد، صرف تأیید حق داشتن محیط زیست سالم به هیچ عنوان کافی نیست و ناگزیر باید بستر مناسبی برای احقاق این حق و پاسخگو کردن ناقضان آن فراهم شود تا بتوان از نقض این حقوق تا حد ممکن جلوگیری کرد، از آنجا که هر حقی، تکلیفی را در پی دارد، حق بر محیط زیست سالم، تکلیف و مسئولیت در برابر محیط زیست را در پی دارد، یعنی همان‌طور که انسان حق دارد از محیط زیست سالم بهره‌مند باشد، این تکلیف را نیز دارد که این حق را برای دیگران به رسمیت بشناسد و از هر عملی که دیگران را از داشتن محیط زیست سالم، محروم کند، خودداری نماید (پیترژیکوفسکی، ۲۰۱۸). در نتیجه تلاقی بین قانون محیط‌زیست و حقوق بشر نشانگر نیازمندی

جامعه بشری به یک روشنایی و کوشش مشترک برای تضمین مسئولیت اجتماعی و حقوقی در قبال محیط زیست و انسان‌ها است و به همین دلیل گفته می‌شود تلاقی قانون محیط زیست و حقوق بشر به عنوان یک ارتباط بین دو حوزه مهم و حیاتی، اهمیت بسیاری دارد. حقوق بشر به عنوان حقوقی اساسی که برای تمام انسان‌ها در هر جای از دنیا باید احترام‌گذاری شود، شامل حق حیات، حق بهداشت و سلامت، حق بهره‌مندی از محیط زیست سالم و حق به توسعه پایدار است (رنجکش و همکاران، ۱۴۰۱). از سوی دیگر، قانون محیط زیست به عنوان مجموعه‌ای از قوانین و مقررات برای حفظ و حفاظت از محیط زیست و منابع طبیعی، برای تضمین بقای نسل‌های آینده و حفظ تعادل بین زیستگاه‌های مختلف در نظر گرفته می‌شود (عباسی، ۱۳۹۳). تلاقی این دو حوزه در واقع به ایجاد یک زمینه مشترک برای تدوین و اجرای سیاست‌ها و برنامه‌های محیط زیستی و حقوقی منطقی، انسان‌محور و پایدار منجر خواهد شد. به عنوان مثال، حق به زندگی و حق بهداشت و سلامت انسان‌ها با حفظ محیط زیست در تعادل باشد و توسعه پایدار حاصل از بهره‌مندی مسئولانه از منابع طبیعی، باید با حفظ حقوق بشر و عدالت اجتماعی همراه باشد (افتخار جهرمی، ۱۳۸۸).

نتیجه‌گیری این است که تلاقی قانون محیط زیست و حقوق بشر می‌تواند به ارتقای کیفیت زندگی انسان‌ها و حفظ محیط زیست کمک کند؛ بنابراین، لازم است که سیاست‌گذاران و تصمیم‌گیرندگان در سطح ملی و بین‌المللی، این رویکرد تلاقی و تعامل میان حقوق بشر و محیط زیست را در سیاست‌ها و برنامه‌های خود لحاظ کنند و به سوی یک آینده پایدار و منطقی حرکت کنند. تلاقی قانون محیط زیست و حقوق بشر اساسی برای ساخت یک آینده پایدار و منصفانه است. این تلاقی به ما کمک می‌کند تا به عنوان انسان‌ها، مسئولیت‌هایمان نسبت به محیط زیست و دیگر موجودات را به‌طور جدی بپذیریم و به اصول عدالت و احترام نسبت به حقوق همه افراد و موجودات پایبند باشیم. از این رو، تلاقی این دو حوزه مهم، می‌تواند به ما کمک کند تا مسیری را برای حفظ زیست بوم‌های طبیعی، توسعه پایدار و بهره‌وری منابع محیطی و تداوم حقوق انسانی و اجتماعی به‌وجود آوریم. با رعایت این اصول و ارزش‌ها، می‌توانیم به‌عنوان یک جامعه و جهان، به سوی یک آینده بهتر و پایدار حرکت کنیم. در واقع با تلاقی قانون محیط زیست و حقوق بشر، به سوی یک آینده پایدار می‌توان رسید. این تلاقی می‌تواند به حفظ حیات وحش و تنوع زیستی، پیشگیری از آلودگی و کاهش تأثیرات منفی تغییرات اقلیمی کمک کند، در عین حال حقوق انسانی را تقویت کرده و به توسعه عادلانه‌تر و پایدارتر کمک نماید. این تلاقی از اهمیت اقتصادی و اجتماعی بالایی برخوردار است، زیرا به ایجاد فضایی برای مشارکت مردمی در حفظ محیط زیست و تامین رفاه اجتماعی کمک می‌کند. در نتیجه، این تلاقی نه تنها به بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها کمک می‌کند، بلکه به حفظ منابع طبیعی برای نسل‌های آینده نیز کمک می‌نماید.

منابع

۱. اکبرپور، حمیدرضا. (۱۳۹۹). واکاوی جایگاه حق بر محیط‌زیست در متون اسلامی. محیط زیست و توسعه، ۱۱(۲۱)، ۹۳-۱۱۰.
۲. افتخار جهرمی، گودرز. (۱۳۸۸). حقوق بشر، محیط زیست و توسعه پایدار. تحقیقات حقوقی شماره ۵۰.
۳. پورهاشمی، سید عباس و میرفخرایی، سید بهرام. (۱۴۰۱). حاکمیت قانون زیست محیطی" و نقش آن در اهداف توسعه پایدار؛ با تأکید بر اعلامیه اتحادیه جهانی حفاظت از طبیعت در زمینه حاکمیت قانون زیست محیطی. انسان و محیط زیست. ۲۰(۲)، ۳۸-۲۵.
۴. حایری اصفهانی، شهاب و مشهدی، علی. (۱۴۰۱). نگرشی نوین به رابطه حقوق عامه و حفاظت از محیط زیست در نظام حقوقی ایران (رویکردی به مفهوم حق-ادعا). علوم و تکنولوژی محیط زیست. ۲۴(۲)، ۱۵۲-۱۴۱.
۵. خدابنده، حسین و پورقاسم، مهدی. (۱۳۸۸). ارزیابی حقوق محیط زیست در ایران و مقایسه آن با سایر کشورها. دومین کنفرانس بین‌المللی جایگاه ایمنی، بهداشت و محیط زیست در سازمانها. ۹.
۶. رضانی قوام آبادی، محمدحسین. (۱۴۰۱). حفاظت از محیط زیست در حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضائی. ۱۸(۶۳)، ۹۳-۱۴۰.

۷. رنجکش سیاهکل، الهه، مرادی، صادق، دانشیان، عالیہ (۱۴۰۱). ارتباط حقوق بشر و محیط زیست با تاکید بر حفاظت از آن، دومین کنفرانس ملی محیط زیست سالم و توسعه پایدار در پرتو حقوق شهروندی چالشها و راهبردها، شیراز. ۱۵.
۸. زکوی، مهدی. (۱۴۰۲). تحلیلی بر حفاظت از محیط زیست از منظر حقوق بشر. مطالعات حقوق بشر اسلامی، ۱۲(۱)، ۷-۲۹.
۹. شمسعلی زاده، نگار. (۱۴۰۰). بررسی زیست محیطی حقوق بشر با تاکید بر روند اصول توسعه پایدار، ششمین کنگره بین المللی توسعه کشاورزی و محیط زیست با تاکید بر برنامه توسعه ملل، تهران. ۱۳.
۱۰. عباسی، بیژن. (۱۳۹۳). مبانی حقوق عمومی. دادگستر.
۱۱. مشهدی، علی. (۱۳۹۱). ترمینولوژی حقوق محیط زیست. خرسندی.
۱۲. مهدی زاده و نادری، محمدحسین. (۱۳۹۸). حقوق بشر و محیط زیست، نخستین کنفرانس ملی محیط زیست سالم و توسعه پایدار در پرتو حقوق شهروندی چالشها و راهبردها، شیراز. ۱۵.
13. Barnes, J., Niemiec, R. P. (2020). Local Sustainable Development and Human Rights: Integrating Sustainability Goals into Local Human Rights Practice. *Columbia Human Rights Law Review*, 52.
14. Ebbesson, J. (2019). Environmental Human Rights: A Multifaceted Concept and its Relevance to Sustainability. *Global Journal of Human-Social Science: Environment & Tourism*, 19(3), 97-108.
15. Hossain, M. J., & Hasan, M. M. (2021). Environmental Degradation and Human Rights Violation: A Challenging Issue for Sustainable Development. *Environmental Science and Pollution Research*, 16.
16. Macdonald, E. (2021). A Brief History of Environmental Law: From Earth Day to the Paris Agreement. *Yale Journal of International Law*, 36(2), 45-67.
17. Pietrzykowski, T. (2018). The Paris Agreement on Climate Change, Human Rights and Sustainable Development: The Role of Human Rights in Mitigating Climate Change Impacts. *Nottingham Law Journal*, 27, 53-68.
18. Ramos, E. P. (2018). Human Rights, Environmental Law and Sustainable Development in the 21st Century. *Australian Journal of Environmental Law*, 18, 220-238.
19. Sindico, F., & Misonne, D. (2019). Human rights in environmental and sustainable development governance: the example of the right to water in international law. *Journal of Human Rights and the Environment*, 10(2), 218-241.
20. Sirajuddin, S., & Mustafa, M. A. (2021). Human Rights and Sustainable Development: An Overview. *International Journal of Innovation, Creativity and Change*, 5.
21. Urbina, M. A., & Richart i Martínez, C. (2018). Sustainable Development Goals and Human Rights: Procedural and Substantive Integration. *Journal of Human Rights and the Environment*, 9(2), 172-191.

Confluence of environmental law and human rights: towards a sustainable

Alireza Panahi

Master's student in International Law, Islamic Azad University, Faculty of Law and Humanities, Karaj, Iran

Abstract

In today's world, facing environmental issues and serious threats to the health and survival of human beings in order to have a sustainable future, understanding the intersection of environmental law and human rights is very necessary because protecting the environment, on the one hand, helps to respect human rights and On the other hand, the approach of international agreements for environmental protection has changed and turned it into a principle used in development. In this article, the issue of the intersection of environmental law and human rights: towards a sustainable future has been addressed, as a result, it is practical and problem-oriented in terms of its purpose, and it examines how environmental law and human rights have a close relationship with each other and how much this Two areas will have an impact in the sustainable future, considering that the prevalence of climate change and global environmental threats affect human rights and society's well-being, this article examines issues such as human rights, environmental rights, and international obligations in environmental law. The results showed that due to the fact that the effects of environmental degradation have spread all over the world and its effects on the quality of life and human health are undeniable, it is very important to try to integrate the environment and human rights and promote sustainable policies, providing A suitable condition for the life and survival of humans and other creatures of the earth is possible only with the combination of these two factors. Therefore, in order to achieve a sustainable future, efforts should be made to consider the environmental law as an indicator of human rights.

Keywords: sustainable future, human rights, environment
